

استاد بزرگ بی بدیل ، حکیم ابوالقاسم منصور بن حسن فردوسی طوسی، حماسه سرای بزرگ ایران و یکی از شاعران مشهور عالم و ستاره درخشنده آسمان ادب فارسی و از مفاخر نامبردار ملت ایرانست که به علت همین عظمت مقام و مرتبت ، سرگذشت مانند دیگر بزرگان دنیای قدیم با افسانه و روایات مختلف در آمیخته است. مولد او قریه باژ از قراء ناحیه طابران (یا: طبران) طوس بود. یعنی همانجا که امروز آرامگاه اوست، و او در آن ده در حدود سال ۳۲۹ - ۳۳۰ هجری، در خانواده ای از طبقه دهقانان چشم به جهان هستی گشود. چنان که می دانیم "دهقانان" یک طبقه از مالکان بودند که در دوره ی ساسانیان (و چهار پنج قرن اول از عهد اسلامی) در ایران زندگی می کردند و یکی از طبقات اجتماعی فاصل میان طبقه کشاورزان و اشراف درجه اول را تشکیل می دادند و صاحب نوعی "اشرافیت ارضی" بودند . زندگانی آنان در کاختهایی که در اراضی خود داشتند می گذشت . آنها به وسیله ی "روستاییان" از آن اراضی بهره برداری می نمودند و در جمع آوری مالیات اراضی با دولت ساسانی و سپس در عهد اسلام با دولت اسلام همکاری داشتند و حدوداً تا زمان حمله مغول به تدریج بر اثر فتنه ها و آشوبها و تضيیقات گوناگون از بین رفتند. اینان در حفظ نژاد و نسب و تاریخ و رعایت آداب و رسوم ملی، تعصب و سختگیری خاص می کردند و به همین سبب است که هر وقت در دوره ی اسلامی کسی را "دهقان نژاد" می دانستند مقصود صحت نژاد ایرانی او بود و نیز به همین دلیل است که در متون فارسی قرون پیش از مغول "دهقان" به معنی ایرانی و مقابل "ترک" و "تازی" نیز استعمال می شده است. فردوسی به خاطر تعلق به این طبقه از جامعه، از تاریخ ایران و سرگذشت نیاکان خویش آگاهی داشت، به ایران عشق می ورزید، به ذکر افتخارات ملی علاقه داشت . وی از خاندانی صاحب مکنّت و ضیاع و عقار بود و به قول نظامی عروضی صاحب چهار مقاله، در دیه باژ «شوکتی تمام داشت و به دخل آن ضیاع از امثال خود بی نیاز بود». ولی این بی نیازی پایدار نماند ؛ زیرا او همه سودهای مادی خود را به کناری نهاد و وقتی تاریخ میهن خود و افتخارات گذشته آن را در خطر نیستی و فراموشی یافت زندگی خود را به احیاء تاریخ گذشته مصروف داشت و از بلاغت و فصاحت معجزه آسای خود در این راه یاری گرفت . از تهیدستی نیندیشید، سی سال رنج برد، و به هیچ روی، حتی در مرگ پسرش، از ادامه کار باز نایستاد، تا شاهنامه را با همه ی رونق و شکوه و جلالش، جاودانه برای ایرانی که می خواست جاودان باشد، باقی می گذارد «که رحمت بر آن تربت پاک باد» فردوسی ظاهراً در ابتدای قتل دقیقی (حدود ۳۶۷ - ۳۶۹ ه) به نظم داستانهای منفردی از میان داستانهای قدیم ایرانی سرگرم بود، مثل داستان "بیژن و گرازان"، که بعدها آنها را در شاهنامه ی خود گنجانید و گویا این کار را حتی در حین نظم شاهنامه ابومنصوری یا بعد از آن نیز ادامه می داد و داستانهای منفرد دیگری را مانند اخبار رستم، داستان رستم و سهراب، داستان اکوان دیو، داستانهای مأخوذ از سرگذشت بهرام گور، جداگانه به نظم در می آورد . اما تاریخ نظم این داستانها مشخص نیست و تنها بعضی از آنها دارای تاریخ نسبتاً روشن و آشکاری است. مثل داستان سیاوش که در حدود سال ۳۸۷ ه. سروده شده و نظم داستان نجیر کردن رستم با پهلوانان در شکارگاه افراسیاب که در ۳۸۹ شروع شد. آغاز نظم شاهنامه: اما نظم شاهنامه، یعنی شاهنامه ای که در سال ۳۴۶ هجری به امر ابومنصور محمد بن عبدالرزاق سپهسالار خراسان فراهم آمده بود، دنباله ی اقدام دقیقی شاعرست در همین مورد. دقیقی بعد از سال ۳۶۵ که سال جلوس نوح بن منصور سامانی بود، به امر او شروع به نظم شاهنامه ابومنصور کرد ولی هنوز بیش از هزار بیت آن را به نظم در نیاورده بود که به دست بنده ای کشته شد. بعد از شهرت کار دقیقی در دهه ی دوم از نیمه ی دوم قرن چهارم و رسیدن آوازه ی آن و نسخه ای از نظم او به فردوسی، استاد طوس بر آن شد که کار شاعر جوان دربار سامانی را به پایان برد. ولی مأخذی را که دقیقی در دست داشت مالک نبود و می بایست چندی در جست و جوی آن بگذراند . بر حسب اتفاق یکی از دوستان او در این کار وی را یاری کرد و نسخه ای از شاهنامه منثور ابومنصوری را بدو داد و فردوسی از آن هنگام به نظم شاهنامه دست یازید، بدین قصد که کتاب مدون و مرتبی از داستانها و تاریخ کهن ترتیب دهد. تاریخ این واقعه ، یعنی شروع به نظم شاهنامه ، صریحاً معلوم نیست ولی با استفاده از قرائن متعددی که از شاهنامه مستفاد می گردد و با انطباق آنها بر وقایع تاریخی، می توان آغاز نظم شاهنامه ابومنصوری را به وسیله استاد طوس سال ۳۷۰ - ۳۷۱ هجری معلوم کرد. این کار بزرگ، خلاف آنچه تذکره نویسان و افسانه سازان جعل کرده اند، به امر هیچ یک از سلاطین، خواه سامانی و خواه غزنوی، انجام نگرفت بلکه استاد طوس به صرافت طبع، بدین مجاهدت عظیم دست زد و در آغاز کار فقط از یآوری دوستان خود و یکی از مقتدرین ایرانی نژاد محلی در طوس بهره مند شد که نمی دانیم که بود ، ولی چنانکه فردوسی خود می گوید او دیری نماند و بعد از او مردی دیگر، هم از متمکنان و بزرگان محلی طوس، به نام "حیی" یا "حسین" بن قتیبه ، شاعر را زیربال رعایت گرفت و در امور مادی، حتی پرداخت خراج سالانه، یآوری نمود، و مردی دیگر به نام "علی دیلمی" هم در این گونه یاورها شرکت

داشت. اما اینان همه از یاوران و دوستان و بزرگان محلی طوس یا ناحیه طابران بودند و هیچ یک پادشاه و سلطان نام آوری نبودند. تذکره نویسان در شرح حال فردوسی نوشته اند که او به تشویق سلطان محمود به نظم شاهنامه پرداخت. علت این اشتباه آن است که نام محمود در نسخه موجود شاهنامه، که دومین نسخه شاهنامه فردوسی است، توسط خود شاعر گنجانیده شد و نسخه اول شاهنامه ( که منحصر بود به منظوم ساختن متن شاهنامه ابومنصوری ) ، موقعی آغاز شده بود که هنوز ۱۹ سال از عمر دولت سامانی باقی بود و اگر فردوسی تقدیم منظومه خود را به پادشاهی لازم می شمرد ناگزیر به درگاه آل سامان، که خریدار این گونه آثار بودند، روی می نمود نه به درگاه سلطانی که هنوز روی کار نیامده بود. محمود ترکزاد غزنوی نه تنها در ایجاد شاهنامه استاد طوس تأثیری نداشت بلکه قصد قتل گوینده آن، به گناه دوست داشتن نژاد ایرانی و اعتقاد به تشیع، را داشت. اتمام اولین نسخه شاهنامه: گفتیم که فردوسی، مدتی پیش از به دست آوردن نسخه ی شاهنامه منثور ابومنصور محمد بن عبدالرزاق طوسی، در دوران جوانی و پیش از چهل سالگی، سرگرم نظم بعضی از داستانهای قهرمانی بود و بنا بر شرحی که گذشت در حدود سال ۳۷۰-۳۷۱ هجری نسخه شاهنامه منثور ابومنصوری را به یاری یکی از دوستان طوسی خود به دست آورد و به نظم آن همت گماشت، و پس از سیزده یا چهارده سال، در سال ۳۸۴ یعنی ده سال پیش از آشنایی بادربار محمود غزنوی، آن را به پایان رسانید. تاریخ مذکور درباره ای از نسخ قدیمی شاهنامه دیده می شود .

در ترجمه ای که فتح بن علی بنداری اصفهانی به حدود سال ۶۲۰ - ۶۲۴ از شاهنامه به عربی ترتیب داد، باز تاریخ ختم شاهنامه سال ۳۸۴ است .

به ماه سفندار مذ روز آرد

سرآمد کنون قصه یزد گرد

بنام جهان داور کرد گار

زهجرت سه صدسال وهشتاد و چار

مقایسه ترجمه البنداری با شاهنامه معمول ، این نکته را بر ما روشن می کند که بسیاری از مطالب موجود در شاهنامه های متداول در آن ترجمه موجود نیست . از اینجا دریافت می شود که نسخه مورد استفاده البنداری کوتاه تر و مختصرتر بود

[WWW.ERMESPC.COM](http://WWW.ERMESPC.COM)

**دانلود نرم افزار و آموزش کامپیوتر - بخش های متنوع**

**اس ام اس ، گالری عکس ، آهنگ ، فیلم و ....**